

# چهره‌نما

سال اول - شماره اول  
 ۱۳۲۲ هجری قمری  
 ۱۹۰۴ میلادی  
 اسکندریه

شماره (۱)	سال اول	صفحه (۱)
(هوان سرانلات)	اسکندریه	(قیمت او تصانیف)
اسکندریه	(اداره پست)	اسکندریه والماریس
سندوق	قره ۵۳۳	سه ريال ۳
تذکره	CHEREF NAMA	دانش دولت نامه زبان
CHEREF NAMA	Boulevard de la Poste	بهار تومانی ۲
۵۳۳	قیمت پیشگواست	بلاد خروسه نمانی
۵۳۳	۵۰ صوت	چهار مجیدی ۶
قیمت پیشگواست	تفاوتی نسخه	انگیزه هندوستان
۵۰ صوت	اول و سرچوب	۵۰ روپیه ۱۰
تفاوتی نسخه	مستند	فتاویٰ ترکستان
اول و سرچوب		هشت سانت ۸
		زورباویج بیست
		۱۰۰ زبان

جریده مسور ۵۰-

سال اول - شماره اول - ۱۳۲۲ هجری قمری - ۱۹۰۴ میلادی

اول و سرچوب - تفاوتی نسخه - ۵۰ صوت - قیمت پیشگواست

انسان سعزی دورنگ ده نکر زبانداره جروج شود



## ستایش

چگونه با خامه شکسته و زبان بسته توانیم نامه را آرایش از ستایش پروردگاری دهیم که انواع بدایع مکنونه و اقسام نفایس مخزونه در ضمیر خمیر بنی نوع انسان ودایع گذاشته و شرافت دانش و فضیلت بینش که رموز (كُنْتُ كَثْرًا مَحْفِيًّا است) به این جنس آدمی که یک از چندین هزار مخلوق است، به مفاد «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَا هُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلاً» بخشایش داشته.

ما را چه قوه و تواناییست که به وصف او رقمی یا قلمی زینم و عبث عبث بیان و بنان را چون سایر جنبنده‌گان فضای لایتناهی عالم توصیف از یاهه سرایی به هم شکنیم. جَلَّتْ عَظَمَتُهُ وَ تَعَالَى شَأْنُهُ، مکمل قدرتی و معظم خلقتی به اسم بشر آفریده و موهبتی از فضل «لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا» هستند، ثنا نموده باشیم. همه انجم به افلاک خلافت پس از خیرالوری شمس رسالت سراج آفرینش را زهی نور به

بر مقاله‌ها



عالم فیض‌شان تا نفخه صور، همه هستند واحد نور مطلق. به حق «نَحْنُ قَسَمًا» را محقق، درود از مبدأ فیاض دوران بر آنها، با تحیات فراوان.

### مقصود از احداث روزنامه

سپس ما را مقصود از احداث و نشر این جریده با احساس مخاطرات شدید و زحمات و خسارتهای عدیده بجز در مقام انسانیت و اقتضای بشریت و صلاح اسلامیت و خدمت به دولت و ملت چیزی منظور نیست و حب وطن مقدس و اهالی آن خاک پاک و آن گوهر گرانبایه تابناک، که وظیفه ماهر نوع فداکاری و جان‌نثاری در حفظ و حراست و استقرار در استقلالیت اوست، وادار نمود و ذوق و اشتیاق و التهاب عصیبت افزود که جلای وطن گرام گفته و از پی حفظ حقوق وطنی و مصالح ملی شبها نخفته، اوراقی آرایش و صحافی نمایش و از بسط مقال و مقصد و خیال شرحی گزارش دهیم و در مطرح فوز و فلاح و در مورد صلح و صلاح نامی نیک و کلامی به حقیقت نزدیک نهیم. **الاه، معبود!** به تو پناهنده و از حضرتت استعانت جوینده و راه رضایتت را پوینده، شاهد حال و گواه بر صدق مقال تویی، واقف بطون و کاشف فنون تویی، پاداش‌دهنده خوب و بد و قبول‌کننده نیک از رد. به هر حال و خیال تو دانایی و عقاب خطا کاران را مقتدر و توانا، و جزای مخلصان و پرهیزکاران را تو بخشنده، فرعون تبه‌کار را غرق کنند، موسی بلا رحمت بخشنده، تویی نمرود شقاوت پیشه را، جزا دهنده و خلیل سعادت اندیشه را رهاننده تویی، مکر و احسانت کامل و عقوبت و جزایت غافل. از مهر عامهات توفیقی عطا و سعادتت در این نیت بفرما که خدمتی از صدق و صفا و حقیقت و وفا نمایم، و در ظل رعیت پروری و عدالت گستری شاهنشاه اسلام پناه معارف خواه **اعلیحضرت مظفرالدین پادشاه** به این افتخار ملی سالهای بیایم و از عهده خدمتگذاری به ابناء وطن مقدس عزیز عاجزانه به قسمی که شاید و باید به درآیم. بار کردگارا، داورا! تو رموزیات و خیالات می‌دانی و مغرضان را به سر منزل آمال نمی‌رسانی، **الاهی! حَصَلِ مَقاصِدَنَا وَ یَسِّرْ مَطالِبَنَا.** ■

